

تحلیل انتقادی رویکرد استنباطی احتیاط‌ورزی در مقام افتاء

دکتر رضا حق پناه

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

Haghpanah@razavi.ac.ir

چکیده

احتیاط‌ورزی یکی از راهکاری معقول برای خروج از تحیر عمل به احکام شرعی است که از پشتوانه های شرعی نیز برخوردار است. با این حال مجاز بودن استناد به احتیاط در مقام افتاء در قامت یکی از روش های اجتهاد، قابلیت ماوشی نوین را دارد. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره از منابع کتابخانه ای در پی پاسخ به این پرسش است که آیا می توان در مقام افتاء به احتیاط ورزی به عنوان راهکاری فراگیر عمل نمود یا خیر؟ برای دست یافتن به پاسخ این پرسش، پس از تبیین دقیق مفهوم «احتیاط در مقام افتاء»، به تبیین دلایل ادعایی و محتمل باورمندان به لزوم این روش پرداخته شده و در ذیل هر دلیل، نقدهایی بیان شده است. پس از اثبات ناکافی بودن دلایل پیش گفته، اصل ناکارآمدی رویکرد احتیاط‌ورزی در مقام افتاء تبیین شده و در ادامه ادله بایسته بودن کاستن از چنین احتیاط هایی در سه محور ذیل تبیین شده اند: ایجاد اختلال در نظام معیشت و اداره جامعه، وسواس زا بودن و نیز عسر و حرج آفرین بودن احتیاط های فراوان.

کلیدواژگان: مجتهد، استنباط، افتاء، احتیاط، مکلف.

۱. مقدمه و طرح مسأله

مجتهدی که در مقام استنباط احکام و صدور فتوا قرار دارد، ناگزیر از کاربرست ابزارهای معرفت‌شناسانه و روشی در روند استنباط است. مراد از ابزارهای معرفتی، مجموعه‌ای از دانش‌هاست که مجتهد با در نظر داشتن رویکرد خویش بدانها، از آنها در قامت مواد اولیه استنباط بهره می‌گیرد. و مراد از ابزارهای روشی، مجموعه‌ای از راهکارها و گرایش‌ها برای رسیدن به حکم شرعی است. برای نمونه، توجه داشتن به فقه عامه در روند استنباط، روشی است که مجتهد می‌تواند از آن برای فهم دقیق تر مواد اولیه استنباط به ویژه روایات بهره جوید. روش‌اندیشیدن و استنباط هر فقیه‌ی، زائیده علل فراوانی است. افزون بر منابع استنباط، عواملی چون ویژگی‌های محیطی پرورش افراد، خصلت‌ها و روحیاتی مانند میزان اعتماد به نفس و شجاعت علمی، میزان استعداد، نوع نگاه به کنش‌های

انسانی، بستر تاریخی و مناسبات بین المللی بر روند استنباط فقیه اثرگذار هستند. در این باره، شهید مطهری به حق بر این باور است که نوع استنباط فقهی که عمری را در خانه گذرانیده با فقهی که در میان اجتماع بوده، متفاوت است.^۱

با بررسی کتب فقه فتوایی در سده های اخیر می توان دریافت نقش عنصری به نام احتیاط در مقام صدور فتوا بسیار پرسامد است. گرچه استاد معرفت بر این باور است که فراگیر شدن فتوا به احتیاط، پس از شیخ انصاری شکل گرفته و در کتب پیش از ایشان نمی توان پر رنگ بودن احتیاط ورزی به شکل امروزی را مشاهد نمود. با این حال، قدرتمندی شیخ اعظم انصاری در فقاقت، سبب می شد که فتوا به احتیاط ندهد.^۲

فقیهانی در دیدگاهی عمومی احتیاط ورزی را امری پسندیده دانسته اند.^۳ آیه الله رضا استادی نیز معتقد است که احتیاط، گونه ای از ریاضت است و نمی توان کسی را به سبب احتیاط ورزی سرزنش نمود.^۴ در سوی مقابل، برخی از فقیهان معاصر^۵ بر این باورند که سرچشمه همه موارد فتوا به احتیاط، عدم آگاهی مجتهد از مساله است. و زیاده روی در فتوا به احتیاط سبب انهدام دین می شود.^۶ و فقیهانی که بیش از حد به احتیاط گرایش دارند، بهتر است از مقام مرجعیت دور بمانند و احتیاط های خویش را بر مردم تحمیل نکنند.^۷

برخی نیز بر این باورند که دایره احتیاط کردن تنها در شبهات موضوعیه رخ می نماید، ولی در احکام، احتیاطی وجود ندارد، چرا که به سبب جامعیت دین، شبهه حکمیه وجود نخواهد داشت.^۸ در عرصه موضوعات فقهی نیز این دیدگاه وجود دارد که تنها در مسائل مربوط به طهارت و نجاست است که شارع حکیم، رعایت احتیاط در تمام موارد را نخواست است.^۹ در مقابل، این دیدگاه وجود دارد که به اطلاق ادله احتیاط، جریان احتیاط در عبادات نیز جائز خواهد بود.^{۱۰}

شایسته یادکرد است که ریشه بسیاری از موارد فتوا به احتیاط را در جستجوی ناکافی ادله یا فهم ناستوار آنها می توان جست. برای نمونه، یکی از فروعات باب صلوه، نماز مسافر است. در این بخش از مفهومی با عنوان «حد ترخیص» سخن گفته می شود. نشانه های حد ترخیص برای شکسته خواندن نماز، دو مورد ذکر شده است: نشنیدن صدای اذان محل سکونت اولی و خفاء البجدران. ملاک در

۱. مطهری، مجموعه آثار، ۱۸۱/۲۰.

۲. ضیایی فر، ریشه ها و پیامدهای احتیاط در اجتهاد و افتاء، ۲۴۸-۲۴۷.

۳. انصاری، کتاب الطهاره، ۱۰۱/۲؛ میرزای شیرازی، تقریرات آیه الله المجدد الشیرازی، ۹۸/۴؛ موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۸۰/۷.

۴. ضیایی فر، سعید، ریشه ها و پیامدهای احتیاط در اجتهاد و افتاء، ۱۲۲.

۵. این نظریه در گفتگوهایی با آیه الله محمد علی گرامی و آیه الله محمد هادی معرفت توسط ایشان بیان شده است (ن.ک: ضیایی فر، ریشه ها و پیامدهای احتیاط در اجتهاد و افتاء، ۱۳۹ و ۲۵۳؛ شیرازی، الفقه (الاجتهاد و التقليد) ۴۳۱/۱).

۶. وحید بهبهانی، محمد باقر، الفوائد الحایریه، ۳۴۱، میرزای قمی، القوانين المحکمه فی الاصول، ۵۰۹/۴.

۷. فضل الله، دشواره فهم اجتهادی شریعت، ۳۱۴.

۸. صادقی تهرانی، اصول الاستنباط، ص ۱۷۳؛ ضیایی فر، ریشه ها و پیامدهای احتیاط در اجتهاد و افتاء، ۲۵۲.

۹. یزدی، العروه الوثقی و التعليقات علیها، ۱۴۴/۲؛ استادی، شرائط اجتهاد، ۷۶.

۱۰. نراقی، عوائد الایام، ۵۰۰.

خفاء جدران، ندیدن دیوارهای خانه محل سکونت شمرده شده نه دیوارهای شهر^{۱۱} مشهور بر این باورند که تحقق یکی از دو شرط سبب قصر صلوه خواهد بود.^{۱۲} در مقابل، برخی بر این باورند که باید هر دو شرط محقق شود.^{۱۳}

واکاوی نظریه الزام بر تحقق هر دو شرط نشان می‌دهد که صدای اذان تا گستره کوتاهی از مسیر، قابل شنیدن است ولی عدم رؤیت دیوارها، نیاز به پیمودن مسیر بیشتری دارد. از اینرو نمی‌توان تحقق هر دو شرط را برای جزای واحد، خردمندانه دانست. افزون بر این، در روایات از عبارتی با عنوان «خفاء الجدران» سخن به میان نیامده، بلکه عبارت «تواری من البیوت» درباره این معنا وجود دارد.^{۱۴} از این مفهوم چنین بر می‌آید که عدم توانایی شخص بر دیدن افرادی که در جوار دیوارهای محل سکونتش قرار دارند، نشانه‌ای برای جواز قصر خواهد بود. منطقی می‌نماید که چنین ملاکی با ملاک دیگر - نشنیدن صدای اذان - از نظر میزان مسافت پیموده شده، تقریباً منطبق باشد. از همین رو، فقیهانی بر این باورند که هر یک از این دو شرط، تنها عناوین مشیر برای آگاهی از میزان فاصله از مبدأ هستند و خصوصیتی در آنها وجود ندارد.^{۱۵} به نظر می‌رسد جستجوی نامناسب از ادله و فهم ناستوار آنها سبب شده تا عده‌ای گمان کنند که شرط قصر صلوه، تحقق هر دو شرط است.

بر این اساس، مواردی مانند درک استوار لغت و کاربردهای آن، آشنایی با ادبیات عرب و مفاهیم بلاغی، روش به کارگیری دانش رجال، روش تفسیری و آگاهی از دانش‌های اصول فقه، ابزارهایی برای استنباط هستند. و این موارد به عنوان پیش فرض ورود به مباحث اجتهادی در نظر گرفته می‌شود. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان احتیاط کردن را رویکردی فراگیر در مقام افتاء قرار دارد؟ به این بیان که آیا احتیاط نمودن در مقام افتاء، همیشه می‌تواند رویکردی معقول و مشروع باشد؟ برای دست یافتن به پاسخ این پرسش، پس از تشریح گستره مفهومی احتیاط، دلایل ادعایی و محتمل باورمندان به حسن احتیاط در همه حالات تبیین شده و ذیل هر دلیل به بررسی و نقد آن پرداخته شده است. پس از اثبات ناکارآمد بودن رویکرد احتیاطی در مقام افتاء، دلایل ایجابی ضرورت کاستن از احتیاط در این مقام تبیین شده اند.

۲. پیشینه

در دانش اصول در مباحث ذیل از احتیاط‌ورزی به مناسبت‌های مختلف سخن رفته: امکان‌پذیر بودن عمل به علم اجمالی با در پیش گرفتن احتیاط، اصول عملیه و نیز اجتهاد و تقلید. در دانش فقه نیز فقیهان به مناسبت بیان احکام، از گونه‌های مختلف احتیاط در فتوا، فتوا به انواع احتیاط مطلق، واجب و مستحب سخن گفته و در نتایج استنباط‌های خویش از آن‌ها بهره برده‌اند. حسب جستجوی نگارنده، توصیفی کوتاه از مهم‌ترین نگاه‌های که به موضوع احتیاط در مقام افتاء توجه داشته‌اند چنین خواهد بود:

^{۱۱} یزدی، العروه الوثقی و التعليقات علیها، ۲۴۲/۹.

^{۱۲} طوسی، الخلاف، ۲۲۲/۱؛ میرزای قمی، القوانين المحکمه فی الاصول، ۶۳۶؛ سبحانی، ضیاء الناظر فی احکام صلاه المسافر، ۱۹۱.

^{۱۳} علم الهدی، جمل العلم والعمل، ۷۷؛ سبزواری، تهذیب الاصول، ۴۱۱/۲.

^{۱۴} کلینی، الکافی، ۵۰۰/۶.

^{۱۵} خویی، موسوعه الامام الخوئی، ۱۹۶/۲۰.

در کتاب «احتیاط در ترک احتیاط» (۱۳۷۹) به کوشش محمد رضا رجب نژاد، پس از بیان ادله رهنمون بر احتیاط، به نقد و بررسی آنها و علل رو آوردن فقیهان به احتیاط پرداخته شده و در پایان از پیامدهای احتیاط در فتوا بحث شده است. استاد رضا استادی در کتاب «شرایط اجتهاد»، فصلی با عنوان «برخی از مبانی احتیاط» گشوده و در آن به نقد دیدگاه استاد محمد ابراهیم جناتی درباره پرهیز از احتیاط‌های ناروا پرداخته است. پاسخ این نوشتار توسط استاد جناتی در مقاله‌ای با عنوان «احتیاط در احتیاط (پاسخ به انتقاد)» (۱۳۷۰) با برجسته کرن آسیب‌های ناشی از احتیاط تبیین شده است. سعید ضیایی فر نیز در کتاب «ریشه‌ها و پیامدهای احتیاط در اجتهاد و افتاء» (۱۴۰۰) پس از بیان علل، عوامل و پیامدهای احتیاط گرای فقیهان، متن گفتگوی خویش با چهار تن از فقیهان معاصر در قامت موافقان و مخالفان جریان احتیاط‌گرایی در مقام افتاء را درج نموده است.

در مقاله «بررسی عنصر احتیاط در فقه دوره‌های دوره‌های پیش و پس از اندیشه اخباری» (۱۳۹۲) به کوشش حسنعلی علی اکبریان و رسول نادری، ویژگی‌های بهره از احتیاط در دوره پیش از شکل‌گیری اندیشه اخباری و پس از آن بررسی شده است. سید احمد حسینی در مقاله دو قسمتی «احتیاط‌های روا و ناروا؛ معیارها و ضوابط» (۱۳۸۲)، با تقسیم احتیاط به دو دسته مشروع و ممنوع، محور پژوهش خویش را بر نقش افراط و تفریط در مواجهه با گزینش احتیاط اختصاص داده و برخی پیامدهای هر دو رویکرد را نمایانده است. در این مقاله سعی شده تا با تأکید بر ضرورت پویایی فقه، برخی از ضوابط بازشناسی احتیاط‌های نامشروع بیان شده و نیز بعضی فتاوی منجر به احتیاط به چالش کشیده شوند. همو در مقاله «احتیاط یا راه سوم» به بررسی احتیاط کردن مکلف در قامت راهی در کنار اجتهاد و تقلید پرداخته است.

با وجود همه این تلاش‌های الهام بخش و شایسته تحسین، نوشتاری یافت نمی‌شود که به گونه مستقل، به تبیین ادله ادعایی و محتمل باورمندان به روا بودن مطلق احتیاط در مقام افتاء پرداخته باشد. وجه نوآوری دیگر پژوهش، نقد استوار این ادله و تبیین دلایل مقبول کاستن از احتیاط در مقام افتاء است.

۳. مفاهیم بنیادین

بایسته است پیش از ارائه راهکارها، مفاهیم بنیادین و پربسامد پژوهش تبیین گردند تا اهداف پژوهش در چارچوب آنها قابل ارزیابی باشد.

۳-۱. احتیاط در لغت و اصطلاح

احتیاط از ماده «حوط» به معنای دقت، محافظت، نگهداری و فرا گرفتن آمده است.^{۱۶} دیوار خانه به سبب حفاظت خانه از آسیب‌ها، حائط نامیده می‌شود.^{۱۷} در اصطلاح عمومی، احتیاط به معنای در پیش گرفتن مطمئن‌ترین راه است. احتیاط در اصطلاح دانش اصول عبارت است از عمل به همه احتمالات به امید احراز واقع.^{۱۸} این رویکرد درباره افعال محتمل الوجوب با انجام همه آنها محقق

^{۱۶} فراهیدی، کتاب العین، ۲۷۶/۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ۲۷۹/۷.

^{۱۷} ازهری، تهذیب اللغة، ۱۱۹/۵.

^{۱۸} عراقی، الاجتهاد و التقليد، ۴۱۹؛ سبحانی، ارشاد العقول الی مباحث الاصول، ۳۰۶/۳.

می‌شود و در مورد افعال محتمل الحرمة با اجتناب از تمامی آنها، به دیگر سخن، در پیش گرفتن احتیاط سبب جلوگیری از گرفتار آمدن به پیامدهای احتمالی مفاسد دوری از تکلیف یا محروم ماندن از تحصیل مصالح واقعی می‌گردد.

شایسته یادکرد است که از احتیاط می‌توان در سه عرصه سخن گفت: (۱) در قامت یکی از اصول عملیه مندرج در دانش اصول فقه؛ (۲) به عنوان یکی از ادله فقهی و (۳) راهکاری که فقیه در مقام فتوادان، آن را بر می‌گزیند. اگر احتیاط به عنوان یکی از اصول عملیه در نظر گرفته شود، تنها وظیفه عملی مکلف شاگ را تعیین می‌نماید نه حکم واقعی را. هم چنین در نظر گرفتن احتیاط به عنوان قاعده‌ای فقهی نیز در برخی امور مانند احکام مربوط به جان، مال و ناموس آدمیان جاری خواهد بود. اما مراد از احتیاط‌ورزی در این جستار، رویکردی است که فقیه در هنگامه بیان حکم شرعی بر می‌گزیند. به این بیان که در روند استنباط، گاهی فقیه به این نتیجه می‌رسد که حکم شرعی در مسأله، احتیاط کردن و انجام تمامی احتمالات یا اجتناب از آنهاست، اما گاهی، با وجود استخراج حکم شرعی از ادله، به درجه معناداری از اطمینان به تطابق حکم مستنبط با حکم واقعی دست نمی‌یابد. در این مقام نیز با عبارت احتیاط واجب و عبارات مشابه نظر خود را بیان می‌دارد.

توضیح اینکه احتیاط در رساله‌های عملیه به دو گونه استحبابی و واجب مطرح است. احتیاط استحبابی با فتوایی پیش یا پس از آن همراه است ولی احتیاط وجوبی با فتوا همراه نیست.^{۱۹} عباراتی مانند «الاولی و الاحوط کذا» بیانگر احتیاط استحبابی هستند. در اینگونه از احتیاط، مقلد مخیر است که میان فتوای مجتهد و عمل به احتیاط استحبابی، یکی را برگزیند.^{۲۰} به نظر میرسد ذکر احتیاط مستحب برای ترغیب به حفظ واقع باشد. عبارت احتیاط واجب در رساله‌های عملیه نیز در دو مقام به کار می‌رود: (۱) فتوا به احتیاط: در مواردی که فقیه از ادله به دست می‌آورد که حکم مسأله، وجوب احتیاط است. مانند مواردی که شبهه محصوره رخ می‌نماید؛ (۲) احتیاط در افتاء: گاهی ممکن است که فقیه، نتواند در مسأله‌ای به دلیل اطمینان بخشی دست یابد؛ در این حالت توقف نموده و اصطلاحاً احتیاط می‌نماید.^{۲۱} با منضم کردن این توقف به فتوای او بر جواز مراجعه به اعلم در آن مسأله، مکلف موظف خواهد بود که به مجتهد اعلم دیگری رجوع نماید.^{۲۲}

عباراتی مانند «فیه اشکال»، «المشهور کذا»، «فیه تأمل» و «قیل کذا» نشانگر فتوا به احتیاط هستند نه احتیاط در فتوا.^{۲۳} در خور توجه است که دو واژه وجوب و استحباب در وصف احتیاط به معنای لغوی آنها به کار می‌روند نه به معنای اصطلاحی در قامت یکی از احکام خمس.^{۲۴} بنابراین احتیاط استحبابی به معنای ارجحیت عمل نمودن طبق احتیاط است.

^{۱۹} یزدی، العروه الوثقی و التعليقات علیها، ۳/۴۷.

^{۲۰} عراقی، الاجتهاد والتقليد، ۴۲۶.

^{۲۱} مکارم شیرازی، دائرة المعارف فقه مقارن، ۴۴۰/۱.

^{۲۲} اشتهازی، مدارک العروه، ۲۰۴/۱.

^{۲۳} هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه، ۲۷۲/۲.

^{۲۴} شیرازی، الفقه (الاجتهاد والتقليد)، ۴۳۲/۱.

گرچه این جستار در مقام نقض یا ابرام ادله اثبات حجیت احتیاط در مقام افتاء نیست، اما شایسته است دلایلی که به نحو کلی بر مطلوب بودن احتیاط اشاره دارند بیان شده و رابطه این دلایل با موضوع «احتیاط در مقام افتاء» تبیین گردد.

دانشوران علم اصول برای اثبات حجیت احتیاط به آیات ذیل استناد نموده‌اند: «وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَ هَذَا حَرَامٌ» (نحل: ۱۱۷)؛ «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ» (حاقه: ۴۴-۴۵) و «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶). به نظر می‌رسد این آیات در مقام بیان نهی از سخن گفتن بدون حجت و دلیل معتبر هستند و نمی‌توان از آنها وجوب احتیاط در مقام افتاء را برکشید. در میان میراث‌روایی نیز، پاره‌ای از روایات به نحو عمومی بر مطلوب بودن احتیاط اشاره نموده‌اند. برخی از آنها به شکل ذیل گزارش شده‌اند:

«أَخُوكَ دِينَكَ فَاحْتَطَّ لِدِينِكَ بِمَا شِئْتَ»؛^{۲۵} «فَعَلَيْكُمْ بِالْإِحْتِيَاظِ حَتَّى تَسْأَلُوا عَنْهُ، فَتَعْلَمُوا»؛^{۲۶} «مَنْ شَكَّ أَوْ ظَنَّ فَأَقَامَ عَلَى أَحَدِهِمَا فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ هِيَ الْحُجَّةُ الْوَاضِحَةُ».^{۲۷} و «الْوُقُوفُ عِنْدَ الشُّبْهَةِ خَيْرٌ مِنَ الْإِفْتِحَامِ فِي الْهَلَكَةِ وَ تَرْكُكَ حَدِيثًا لَمْ تَرَوْهُ خَيْرٌ مِنْ رَوَايَتِكَ حَدِيثًا لَمْ تُحْصِهِ».^{۲۸} در این میان، روایتی که به احتیاط‌ورزی در مقام افتاء توصیه می‌کند، توصیه‌ای است که امام صادق (ع) به عنوان بصری با عبارات ذیل بیان داشتند: «سَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْنَتًا وَ تَجَرِبَةً وَ إِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئًا وَ خُذْ بِالْإِحْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ أَهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرْبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَ لَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ عَتَبَةً لِلنَّاسِ».^{۲۹} از این روایت چنین بر می‌آید که افراد نباید خویش را به سادگی در مقام افتاء قرار دهند، چرا که در مقابل صدور هر فتوایی مسئولیت دارند. اما نمی‌توان چنین برداشت نمود که مجتهد توانمند باید از مقام افتاء گریزان باشد و به احتیاط پناه برد، چرا که در اینصورت از انجام وظیفه و وجوب کفایی نیاز به اجتهاد، شانه خالی کرده است. بر همین اساس، برخی از دانشوران سترگ بر این باورند که بر فردی که دارای توان استنباط احکام حتی در یک فرع است، اجتهاد در همان مسأله لازم است.^{۳۰}

روایت دیگری نیز وجود دارد که ظاهر آن به احتیاط در مقام افتاء رهنمون است. بنا بر گزارش عبد الرحمن بن حجاج چنین آمده است: «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَاعِدًا فِي حَلَقَةِ رِبْعَةِ الرَّأْيِ فَجَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَسَأَلَ رِبْعَةَ الرَّأْيِ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَأَجَابَهُ فَلَمَّا سَكَتَ قَالَ لَهُ الْأَعْرَابِيُّ أَ هُوَ فِي عُنُقِكَ فَسَكَتَ عَنْهُ رِبْعَةً وَ لَمْ يَرِدْ عَلَيْهِ شَيْئًا فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْمَسْأَلَةَ فَأَجَابَهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْأَعْرَابِيُّ أَ هُوَ فِي عُنُقِكَ فَسَكَتَ رِبْعَةً فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) هُوَ فِي عُنُقِهِ قَالَ أَوْ لَمْ يَقُلْ وَ كُلُّ مُفْتٍ ضَامِنٌ».^{۳۱} به نظر می‌رسد این روایت در مقام بیان به کار بردن دقت نظر در مقام افتاء و نیز مسئولیت فقیه بر این فتوا و آثار آن باشد که با احتیاط در مقام استنباط مناسب است. از این رو نمی‌توان احتیاط کردن در مقام فتوا دادن را از آن برکشید، چرا که طبق فراز پایانی روایت، هر فقیه‌ای در برابر آنچه که فتوا می‌دهد مسئول است و به ویژه فتوا دادن به احتیاط با وجود تحصیل حکم شرعی، سبب تضییع سرمایه‌های مکلفان خواهد شد. در این باره در بخش ۵-۲ سخن خواهد رفت.

^{۲۵} حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۶۷/۲۷.

^{۲۶} کلینی، الکافی، ۵۲۹/۸.

^{۲۷} حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۵۶/۲۷.

^{۲۸} حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۵۵/۲۷.

^{۲۹} حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۷۳/۲۷.

^{۳۰} موسوی خمینی، الرسائل، ۲۹۶/۱.

^{۳۱} کلینی، الکافی، ۶۴۳/۱۴.

۴. دلایل مدافعان احتیاط در مقام افتاء

با بررسی روش فتوایی برخی از فقیهان به سادگی می‌توان دریافت که در پیش‌گرفتن احتیاط در مقام افتاء، روشی بوده که بارها از آن استفاده شده است. کسانی نیز به آشکاری انتقاد کردن به نادرستی احتیاط‌های فراوان را مصداق روایاتی می‌دانند که بر حسب آنها در دوره ای، معروف‌ها به منکرها^{۳۲} تبدیل می‌شوند.^{۳۳} در این بخش دلایل نیکو بودن این روش به بررسی و نقد گذاشته خواهد شد.

۴-۱. تحصیل برائت ذمه

برخی بر این باورند که جریان احتیاط در عبادات سبب تحصیل برائت ذمه می‌شود.^{۳۴} توضیح اینکه دانشوران منتسب به جریان اخباری به جهت پرهیز از مخالفت احتمالی با امر واقعی مولا بر این باورند که در شبهات تحریمیه باید احتیاط نمود ولی در شبهات وجوبیه می‌توان برائت جاری نمود.^{۳۵} در سوی مقابل، اصولیان بر این باورند که ارتکاب مخالفت احتمالی با امر مولا در هر دو گونه شبهات تحریمی و وجوبی، مانعی از جریان دادن اصل برائت نخواهد بود.^{۳۶} البته در موارد خاصی چون مسائل مربوط به اموال و جان‌های مردم، احتیاط را لازم دانسته‌اند.^{۳۷} دانشوران اصولی در برابر استدلال اخباریان به پاره‌ای روایات، بر این باورند که واژه احتیاط در این احادیث به معنای مصطلح آن در دانش اصول نیست که بتوان گفت باید بر هر آنچه احتمال می‌رود تکلیف باشد، عمل نمود؛ بلکه تنها بیانگر معنای لغوی آن بوده و رهنمون بر حفظ و نگهداری نفس است.^{۳۸} نزاع میان اصولیان و اخباریان را می‌توان چنین بیان داشت که اخباریان بر وجوب احتیاط در همه حال فتوا می‌دهند اما اصولیان این کلیت را نمی‌پذیرند و آنرا فتوایی بی‌مدرک می‌دانند.^{۳۹}

بررسی و نقد

درخور توجه است که با وجود سودمندی‌های فراوان احتیاط، نمی‌توان آنرا به عنوان قانونی پایدار در همه عرصه‌ها پذیرفت.^{۴۰} از این رو نمی‌توان با امید تحصیل برائت ذمه، اعمالی را انجام داد که تنها یکی از آنها حکم واقعی است. به دیگر سخن، به همان اندازه که فتاوی‌ای مربوط به احکام الزام آور نیازمند دلیل شرعی هستند، حکم به احتیاط نیز نیازمند دلیل شرعی مقبول است. در حدیثی از رسول خدا (ص) چنین نقل شده که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُؤَخَذَ بِرُخْصَةٍ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُؤَخَذَ بِعَزَائِمِهِ».^{۴۱} بر این اساس نباید پنداشت که به بهانه رعایت احکام الزامی باید دست از مباحات شست و با تمسک به احتیاط مکلف را به مشقت واداشت. در این باره در بخش ۲-۵ مطالبی خواهد آمد. سزایمند یادکرد است که مواردی که سبب دلزدگی مکلفان از دین و دستورات آن می‌شوند با اصل ترغیب به

^{۳۲} ن.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۷۴۸.

^{۳۳} استادی، شرائط اجتهاد، ۸۷.

^{۳۴} حر عاملی، وسائل الشیعه، ۴۱۰/۲۷؛ نراقی، عوائد الایام، ۵۰۰.

^{۳۵} استرآبادی، الفوائد المدنیه، ۲۷۹؛ بحرانی، الحقائق الناضره، ۶۵/۱.

^{۳۶} محقق حلی، شرائع الاسلام، ۲۱۳؛ انصاری، فرائد الاصول، ۲۰/۲.

^{۳۷} محقق کرکی، رسائل محقق کرکی، ۲۳۷/۲.

^{۳۸} بروجردی، حاشیه کفایه الاصول، ۲۲۹/۲؛ سبجانی، المحصول فی علم الاصول، ۵۶/۳.

^{۳۹} وحید بهبهانی، الفوائد الحایریه، ۳۷۷.

^{۴۰} محقق سبزواری، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، ۱۴۰/۲.

^{۴۱} حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱/۶۶۴.

انجام آموزه‌های دینی منافات دارد. از همین روست که محروم شدن مکلف از انجام عبادت و بهره بردن از لذت بندگی، عاملی برای پرهیز از حکم به احتیاط دانسته شده است.^{۴۲}

مجتهدی که به گمان خود با فتوا بر احتیاط، سبب برائت ذمه مکلفین می‌شود، لزوماً نسبت به تکلیف خود در اعلام استوار حکم اجتهادی، بری الذمه نخواهد بود. چرا که برائت ذمه او با فتوا دادن بر احتیاط‌ورزی توسط دیگران حاصل نمی‌آید. برای نمونه یکی از فروعات باب صلوه، وقفه‌ای کوتاه پس از سجده دوم است که به جلسه استراحت شهره است. مشهور فقیهان بر استحباب این عمل فتوا داده‌اند. اما برخی بر وجوب رعایت این وقوف باور دارند. برای نمونه، سید مرتضی بر این باور است که اگر این وقوف پس از سجده دوم، انجام نشود، یقین به برائت ذمه از ادای نماز حاصل نمی‌آید.^{۴۳} تمسک به تحصیل برائت ذمه در راستای عمل به احتیاط قابل ارزیابی است. علامه حلی در مقام داوری میان این دو نظر بر این باور است که بر اساس آنچه در روایات آمده، اتفاقاً احتیاط‌ورزی با اصل برائت ذمه منافات دارد.^{۴۴}

۲-۴. موافقت احتیاط با تقوا مداری

این دیدگاه وجود دارد که با وجود امکان جریان برائت، احتیاط کردن، نشانگر تعهد و تدین است.^{۴۵} بر همین اساس، برخی با استناد به آیات رهنمون بر تقوا مداری. (ن.ک: آل عمران: ۱۲۰؛ حج: ۷۸؛ عنکبوت: ۶۹ و تغابن: ۱۶)، بر قضای نمازی که احتمال می‌رود، خللی در آن وجود داشته باشد، فتوا داده‌اند و این فتوا را موافق با احتیاط دانسته‌اند.^{۴۶}

با نگاهی به تاریخ فقه و فقهاء نیز می‌توان دریافت تقوامداری عاملی برای گریز برخی فقیهان از مقام افتاء بوده است. برای نمونه، سید بن طاووس (م ۶۶۴) که از وی با عنوان «فقیه اهل بیت» یاد می‌شود.^{۴۷} به سبب بیم از مصداق قرار گرفتن برای آیه «وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ» (حاقه: ۴۴) به حوزه افتاء وارد نشد.^{۴۸} آیه الله کلباسی نیز در برابر امر میرزای قمی بر نگاشتن رساله عملیه، طاقت نداشتن بدن خود در برابر آتش را علت استنکاف دانسته است.^{۴۹} در مورد میرزا حبیب الله رشتی که پس از شیخ انصاری دارای مرجعیت علمی بوده نیز گفته شده که وی از شدت تقوا مداری از صدور فتوا و تصدی امر مرجعیت عمومی شیعیان خود داری می‌کرد.^{۵۰}

^{۴۲}. وحید بهبهانی، الفوائد الحایریه، ۸۶.

^{۴۳}. علم الهدی، الانتصار، ۱۵۰.

^{۴۴}. علامه حلی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ۱۷۲/۲.

^{۴۵}. استادی، شرائط اجتهاد، ۷۷.

^{۴۶}. شهید اول، موسوعه الشهد الاول، ۳۴۷/۶.

^{۴۷}. مدرس تبریزی، ریحانه الادب، ۸۴/۷.

^{۴۸}. مجلسی، بحارالانوار، ۴۷/۱۰۴.

^{۴۹}. حکیمی، بیدارگران اقالیم قبله، ۲۰۹.

^{۵۰}. طهرانی، نقباء البشر فی قرن الرابع عشر، ۳۵۹/۳.

به نظر می‌رسد که مفهوم تقوای عملی، عاملی پیوستار برای حکم به احتیاط در نظر گرفته شده است، حال سوال این است که اگر فقیه بر اساس استنباط به این نتیجه رسید که باید براءت جاری نمود، چرا باید بر احتیاط حکم نماید؟ گویا پنداشته شده که به مشقت افتادن برای انجام تکالیف، امری مستحسن است و هر چه مشقت بیشتر باشد تقوای شخصی هم بیشتر است. سزایند یادکرد است که تکلیف، تنها بعد از وجود حکم شرعی و استنباط آن مستقر می‌شود و نمی‌توان در همه حال، به واسطه تقوا مداری حکم به احتیاط نمود. فتوا دادن بر اساس حجتی که به دست فقیه رسیده است، اوج التزام به حق و رعایت تقواست.^{۵۱} نه اینکه در موارد دست یافتن به نتیجه اجتهادی، به سبب تقوا گرایی به احتیاط حکم نماید. یکی از شاگردان آیه الله العظمی بروجردی از ایشان نقل می‌کند که معتقد بودند جناب مقدس اردبیلی با وجود تقدس و تقوای فراوان بر اساس آنچه که استنباط نموده بودند فتوا می‌دادند، خواه موافق با احتیاط باشد یا مخالف آن.^{۵۲}

گرچه تلاش برای جلب رضایت مولا امری پسندیده است اما نمی‌توان، یکی از اهداف دین یعنی کاستن از جانکاهی‌های بشر را به بهانه احتیاط به سادگی فرو نهاد. همانگونه که در آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف: ۱۵۷) به نجات آدمی از گرفتاری‌ها به عنوان نتیجه پیروی از رسول خدا (ص) اشاره شده است.

درخور توجه است که پرهیز از فتوا دادن به سبب احتیاط کردن، ثمری برای جامعه اسلامی به ویژه در عصر تشکیل حکومت اسلامی نخواهد داشت. هزاران مساله نو پیدا، نیازمند پاسخ‌های مناسب هستند و طراحی نظام تمدن محور اسلامی، اقتضا دارد در ابواب گوناگون فقهی، پاسخ‌های متناسب با نیازهای عصری تدوین گردد. نیک روشن است که در چنین شرایطی، پرهیز از فتوا دادن صریح و حکم نمودن به احتیاط، با اهداف عالی اسلام در تنظیم برنامه‌های مورد برای بشر و نیز اصل جامعیت و کارآمدی اسلام برای هر شرائطی ناسازگار است. از اینرو نمی‌توان تقوا مداری را علتی موجب برای تمسک به احتیاط در استنکاف از فتوا دانست.

هم چنین، اگرچه تقوا مداری در راستای حقوق الهی قابل تعریف است اما حق الناس نیز در این موارد قابل چشم پوشی نیست. فتوا دادن مجتهد به احتیاط به جهت تقوا مداری، تنها ممکن است سبب براءت ذمه در برابر حق الله، گردد اما در برابر حقوق عامه مردم که به واسطه حکم او بر احتیاط دچار مشقت شده‌اند حتماً باید پاسخگو باشد. شایسته است که در پدیدارشناسی کاربرست احتیاط در مقام افتاء به هر دو عامل تقوا و خدا ترسی فقیه و نیز دست نیافتن وی به حکم اطمینان بخش توجه شود. چرا که اگر مجتهد در روند استنباط، تکلیف اصلی رابه نحوی به دست آورد که ظن معتبر برای او حاصل آمد، نباید از آن عدول کند و به بهانه تقوا مداری به احتیاط حکم کند.

^{۵۱}. فضل الله، دشواری فهم اجتهادی شریعت، ۳۱۴.

^{۵۲}. اشتهاوردی، مدارک العروه، ۱۰۱-۱۰۱.

برخی باورمندان به بایستگی مطلق احتیاط در مقام افتاء، به توصیه‌های فقیهان به شاگردان خویش استناد می‌نمایند.^{۵۳} نمونه‌های از این توصیه‌ها را بنگرید:

- شیخ احمد خاتون آبادی در اجازه روایی خود برای شیخ عبدالله شوشتری چنین می‌نگارد: «... و أحب بشرائط الرواية عند أهل الدراية مأخوذا ما أخذہ الله علي من ملازمة التقوى و الاحتياط في الفتوى».^{۵۴}
- ملا احمد نراقی در فرازی از اجازه نامه اجتهادی خویش برای شیخ انصاری چنین می‌نگارد: «و اشترط عليه إيدہ الله تعالى بتأييداته ما اشترط عليّ مشايخي العظام من التّشّيب في القول و العمل ليطمئنّ من الوقوع في مهالك العثرة و الزّلل، و سلوكه سبيل الإحتياط المنجى عند المرور على الصّراط».^{۵۵}
- ابن مفلح میسی در اجازه‌ای که برای دوتن از فرزندان خود به جا نهاده، چنین می‌نویسد: «أجزت للولدين العزيزين المحققين المدققين جعفر و إبراهيم ... ما تضمنته إجازة شيخنا شمس الدين محمد الصهيويني من الرواية و العمل محتاطين لي و لهما فإنه ليس بناكب عن الصراط من سلك طريق الاحتياط».^{۵۶}
- شهید ثانی در بخشی از اجازه نامه خود برای شیخ ابراهیم میسی چنین می‌نگارد: «أجزت له الرواية و العمل بما جرى به قلمي القاصر من الفتاوي و المؤلفات على ضعفها و نزارتها إن أحب شيئا من ذلك و عليه في ذلك من العهد الإلهي ما علي من مراعاة جانب الاحتياط و التورع عن الشبهات».^{۵۷}

نقد و بررسی

عباراتی مانند «سلوک طریق الاحتیاط»، «سلوک سبیل الاحتیاط» و «رعايت نهايه الاحتیاط» این معنا را به ذهن متبادر می‌کنند که بایسته است فقیه در روند استنباط چنان احتیاط کند که بر تحصیل همه ادله و استظهار استوار از آنها اطمینان پیدا کند. به دیگر سخن، این عبارات در مقام برانگیختن فقیه به استنباطی دقیق و ترغیب او به جستجوی گسترده است نه در مقام بیان فتوا به احتیاط. چرا که عقل نیز حکم می‌کند در جستجوی ادله و قرائن و نیز واکاوی و استظهار از آنها، باید بسیار احتیاط ورزید و به سادگی از جستجو درباره قرینه‌های پیرامونی درباره ادله، لوازم حکم و پیامدهای آن دست نشست.

مرحوم سید بن طاووس با وجود احتیاط‌مداری و پرهیز از افتاء به گونه مطلق، در توصیه‌ای به فرزندش چنین می‌نگارد: «أنني وجدت كثيرا ممن رأيتهم و سمعت به من علماء الإسلام، قد ضيقوا على الأنام ما كان سهله الله جلّ جلاله و رسوله صلى الله عليه و آله من معرفة مولاهم».^{۵۸} سزامند یادکرد است که در احتیاط‌ورزی، مصلحت ذاتی وجود ندارد بلکه تنها طریقی برای جلب رضایت مولا، محافظت بر اغراض او یا رسیدن به واقع است.

^{۵۳}. استادی، شرائط اجتهاد، ۷۸-۸۱.

^{۵۴}. مجلسی، بحار الانوار، ۹۳/۱۰۶.

^{۵۵}. انصاری، کتاب المکاسب (المحشی)، ۶۴.

^{۵۶}. مجلسی، بحار الانوار، ۱۵۹/۱۰۵.

^{۵۷}. مجلسی، بحار الانوار، ۱۰۸/۱۰۵.

^{۵۸}. ابن طاووس، کشف المحجّة لثمره المهجّة، ۴۸.

۵. دلایل لزوم کاستن از احتیاط‌ورزی در مقام افتاء

برخی از دانشوران با بیان عبارت «الاحتیاط حسن علی کل حال» از نیکو بودن احتیاط در هر حالتی یاد کرده‌اند.^{۵۹} کسانی در مقابل، کاربست این عبارت را به حمل شایع، صحیح دانسته‌اند و لزومی به حُسن احتیاط به گونه حمل اولی ندانسته‌اند.^{۶۰} عده‌ای نیز بر این باورند که فتوا دادن به احتیاط، ربطی به این عبارت ندارد چرا که احتیاط، اقتضاء می‌کند که فتوا به احتیاط ترک شود.^{۶۱} این دیدگاه نیز وجود دارد که گستره احتیاط‌ورزی تا بدانجا مجاز است که سبب ارتکاب عمل حرامی نشود.^{۶۲} با این همه در نگاشته‌های دانش اصول به نحو کلی به سه شرط ذیل به عنوان موانع جریان احتیاط اشاره شده است: عسر و حرج آور بودن حکم به احتیاط، ایجاد اختلال در نظام و وسواس انگیز بودن.

۵-۱. ایجاد اختلال در نظام معیشت و اداره جامعه

واژه نظام از ریشه نظم به معنای رشته متصل کننده مرواریدها، تجمیع، ملاک، به سامان کردن و تألیف چیزی با چیز دیگر آمده است.^{۶۳}

بر این اساس، انواع مقررات بشری به شرط سرچشمه گرفتن از حکم عقل و انطباق با مصالح عمومی، در راستای حفظ نظام بوده و نادیده انگاشتن آنها سبب اختلال در نظام می‌گردد. تعبیر ذیل در سخن فقیهان، با مفهوم حفظ نظام هم سازند: «برآوردن حقوق مردم».^{۶۴} و «تأمین نیازهای مردم».^{۶۵} در سوی مقابل، از مفهوم اختلال در نظام سخن گفته می‌شود. برای این مفهوم نیز تعبیر ذیل به کار رفته است: «هرج و مرج اجتماعی».^{۶۶} و «اخلال در امور مسلمین».^{۶۷} هر عملی که سبب ایجاد هرج و مرج شده و در نظام اجتماعی اخلال ایجاد کند، به حکم عقل ممنوع است.^{۶۸}

گاهی ممکن است که فتوا دادن به احتیاط سبب اختلال در نظام شده و مکلفین در تنظیم امور تجاری و روزمره خویش با مشکل روبرو شوند.^{۶۹} بر این اساس، اگر احتیاط سبب اخلال در نظام شود عملی نیکو نخواهد بود.^{۷۰} چرا که اخلال به نظام نزد عقلاء پسندیده نیست. برای نمونه اگر حیوانی که وطنی شده، در گله‌ای ناپیدا باشد، حکم به قرعه زدن در میان گوسفندان گله، داده شده

^{۵۹}. فشارکی، الرسائل الفشارکیه، ۴۶۹؛ مغنیه، علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید، ۲۷۱.

^{۶۰}. خمینی، تحریرات فی الاصول، ۱۹۷/۸.

^{۶۱}. شیرازی، الوصائل الی الرسائل، ۲۸۹/۷.

^{۶۲}. انصاری، فرائد الاصول، ۳۷۶/۱.

^{۶۳}. فراهیدی، کتاب العین، ۱۶۵/۸؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴۴۳/۵.

^{۶۴}. عراقی، شرح تبصره المتعلمین (کتاب القضاء)، ۷.

^{۶۵}. اصفهانی، الاجاره، ۲۱۱.

^{۶۶}. موسوی خمینی، کتاب البیع، ۶۲۰/۲.

^{۶۷}. موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۶۵۷/۲.

^{۶۸}. مظاهری، فقه الولایه و الحکومه الاسلامیه، ۳۲۴/۱.

^{۶۹}. انصاری، فرائد الاصول، ۳۷۶/۱؛ میرزای شیرازی، تقریرات آیه الله المجدد الشیرازی، ۱۱۶/۴.

^{۷۰}. عراقی، الاجتهاد و التقليد، ۴۱۹؛ خویی، موسوعه الامام الخوئی، ۱۶۰/۳؛ سیزواری، تهذیب الاصول، ۲۲۸/۲.

است. نیک روشن است که اگر در چنین مواردی احتیاط در پیش گرفته شود، باید بر ذبح کردن همه گوسفندان و سوزاندن جسد آنها حکم نمود؛ که این امر سبب اختلال در نظام معاش ساکنان منطقه و اتلاف قابل توجهی در میزان سرمایه مالک خواهد شد.

از طرفی، اگر شمار قابل توجهی از مکلفان بر انواع احتیاط‌های فقهی عمل نمایند، سبب صرف وقت زیادی از طول حیاتشان به این امور می‌شود و بدین ترتیب بر انجام مسئولیت‌های اجتماعی خدشه وارد شده و نظم اجتماعی دستخوش آفت قرار می‌گیرد. یکی از دانشوران معروف به تقوا مداری درباره احتیاط‌ورزی در برخی مسائل حج چنین می‌نگارد: «ایجاد احتمالات ایجاد برای مکلفان، سبب ایجاد وسواس و از بین رفتن وقت بواسطه انجام همه احتمالات می‌گردد... ممکن است این روش سبب ایجاد بدعت در میان مردمان گردد».^{۷۱} یکی از دانشوران آگاه معاصر بر این باور است که بناء شریعت به نحو کلی، بر احتیاط استوار نیست و آنچه از مذاق شریعت و روش شارع در تنظیم زیست آدمی بر می‌آید، آن است که شارع به مبنای دادن احتیاط در قامت اصلی کلی در زندگی راضی نیست.^{۷۲}

تمرکز بر رویکرد فرد گرایانه در فقه نیز، سبب اختلال اجتماعی می‌شود. چرا که روابط مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر اساس احتیاط‌ورزی استوار نمی‌مانند.^{۷۳} اگر حاکم جامعه اسلامی در مقام قانون‌گذاری، کارگزاران خود را ملزم به احتیاط نماید، زمینه ایجاد هرج و مرج، دوری مردم از احکام دین و سردرگمی بخش‌های اجرایی و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی فراهم می‌آید.^{۷۴}

۲-۵. عسر و حرج انگیز بودن

یکی از قواعد عمومی آیین اسلام، قاعده‌ای است که با عنوان «نفی عسر و حرج» نام‌بردار است. مراد از این قاعده آن است که احکامی که سبب ایجاد حرج بر مکلف شوند، از دوش او برداشته خواهند شد.^{۷۵} اصل قرآنی برآمده از آیه «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹) حرمت هر چیزی را که آسیب‌هایش بیش از منافعش باشد را اثبات می‌کند.

پر رنگ بودن نقش این قاعده در منظومه معرفتی اسلامی تا بدانجاست که این قاعده بر عمومات و اطلاعات رهنمون بر احکام الزامی و نیز بر اصول عملیه دیگری چون احتیاط حاکم دانسته شده است.^{۷۶} بر همین اساس فقیهان بر این باورند که اگر فتوا به احتیاط سبب ایجاد عسر برای مکلف شود باید از آن پرهیز کرد.^{۷۷} چرا که همیشه مکلفان را یارای آگاهی همه جانبه به انواع احتمالات نیست. از منظری دیگر، تحمل کردن مشقت و حرج در انجام عبادت توسط مکلف، مایه بطلان عبادت خواهد بود؛ چرا که وظیفه او گریز از حرج بوده نه تحمل آن.^{۷۸}

^{۷۱}. مقدس اردبیلی، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، ۷۸/۷.

^{۷۲}. صدر، بحوث فی علم الاصول، ۴/۴۴۴.

^{۷۳}. صدر، الاتجاهات المستقلة تحركه الاجتهاد، ۱۵۶-۱۵۷.

^{۷۴}. جتاتی «احتیاط در احتیاط (پاسخ به انتقاد)، ۱۵۴؛ علی اکبریان و نادری، «بررسی عنصر احتیاط در فقه دوره‌های پیش و پس از اندیشه اخباری» ۸۷.

^{۷۵}. بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۲۵۵/۱؛ مصطفوی، القواعد الفقهیه، ۲۹۶/۱؛ زارعی سبزواری، القواعد الفقهیه فی فقه الامامیه، ۲۳۱/۸.

^{۷۶}. بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۲۶۴/۱.

^{۷۷}. یزدی، العروه الوثقی و التعليقات علیها، ۳۵۲/۱؛ عراقی، الاجتهاد و التقليد، ۴۱۹؛ سبزواری، تهذیب الاصول، ۱۴۰/۲.

^{۷۸}. بجنوردی، القواعد الفقهیه، ۲۵۹/۱.

وسواس از ریشه وسس به معنای صدای پنهانی، نامی برای شیطانی و هر آنچه که به گونه‌ای پنهانی در نفس ایجاد شود، آمده است.^{۷۹} در اصطلاح، گونه‌ای از نارسایی است که در اثر غلبه سوداء بر بدن عارض شده و ناملایمات را به دل آدمی وارد می‌نماید.^{۸۰}

عمل به احتیاط نباید به گونه‌ای باشد که سبب ایجاد وسواس در مکلف شود، چرا که یکی از راههای شیطان برای به هلاکت افکندن مکلفین، ترغیب آنها به طاعت‌هایی است که با اصل تسهیل مخالف است.^{۸۱} برخی از احتیاط‌ها از وسوسه‌های شیطانی و اوهام نفسانی سرچشمه می‌گیرد.^{۸۲} از این رو می‌توان تولید وسواس در اثر فتوای احتیاطی را عاملی برای پرهیز از احتیاط در مقام افتاء بر شمرد.

از مجموعه موارد پیش گفته چنین بر می‌آید که توجه فقیه به برخی از پیامدهای ناگوار احتیاط‌ورزی در مقام افتاء، سبب پیش‌گیری از صدور چنین احکامی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، نتایج ذیل، دستاورد این نوشتار خواهند بود:

۱. تحصیل برائت ذمه را نمی‌توان دلیلی مقبول فراگیری برای روا بودن احتیاط در مقام افتاء دانست. چرا که انجام مناسک دینی با این نیت، افزون بر مشقت زایی، سبب محروم شدن مکلف از لذت اصیل عبادات شده و دلزدگی وی را در پی دارد.
۲. موافقت احتیاط با تقوا مداری را نمی‌توان دلیلی بر اثبات احتیاط در مقام افتاء دانست، چرا که صدق عنوان تقوا در روند استنباط زمانی صحیح خواهد بود که مجتهد با تلاش حقیقی به تبیین آنچه که بدان دست یافته پردازد نه اینکه به امید تقوا مداری، حکم احتیاطی مخالف با دستاورد علمی خود ارائه نماید.
۳. سوق دادن مکلفین به احتیاط مداری و پرهیز از فتوای آشکار، با اهداف اسلامی در تنظیم بهینه برنامه های زیست آدمی در عصر تشکیل حکومت اسلامی منافات خواهد داشت.
۴. سیره فقیهان در احتیاط ورزی به معنای احتیاط در مسیر احتیاط از طریق بررسی همه ادله و استظهار مناسب از آنهاست.
۵. مواردی چون اختلال انگیزی در نظام معیشت و اداره جامعه، حرج آفرینی و وسواس زایی، مؤلفه های هستند که کاستن از احتیاط در مقام افتاء را بایسته می‌سازند.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان قاعده عمومی «لزوم کاستن از احتیاط در مقام افتاء» را به عنوان رویکردی روش مدارانه در روند استنباط فقهی مد نظر قرار دارد. نیک روشن است که راهکارهای کاستن از احتیاط در مقام فتاء و نیز ضوابط و گستره احتیاط مقبول در این مقام، نیاز به پژوهش‌هایی مستقل دارند.

^{۷۹}. فراهیدی، کتاب العین، ۳۳۵/۷؛ ازهری، تهذیب اللغة، ۹۳/۱۳.

^{۸۰}. مازندرانی، شرح الکافی، ۴۳/۱۲.

^{۸۱}. آشتیانی، بحر الفوائد فی شرح الفرائد، ۴/۶۸؛ عراقی، الاجتهاد و التقليد، ۴۱۸.

^{۸۲}. بحرانی، الحدائق الناضرة، ۷۱/۱.

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجبة لثمرة المهجة، قم، دوم، بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۴. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۵. استادی، محمد رضا، شرائط اجتهاد، قم، قدس، ۱۳۸۳.
۶. استر آبادی، محمد امین، الفوائد المدنیة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۹ق.
۷. اشتهازی، علی پناه، مدارک العروة، قم، اسوه، ۱۴۱۷ق.
۸. اصفهانی، محمد حسین، الاجاره، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۹. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۸ق). کتاب الطهارة (چاپ اول). قم: المؤتمر العلمی بمناسبه الذکری المئویة الثانیة لمیلاد الشیخ الانصاری.
۱۰. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، قم، پنجم، مجمع فکر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۱۱. انصاری، مرتضی، شرح سید محمد کلانتر، سوم، قم، مؤسسه مطبوعاتی دار الکتاب، ۱۴۱۰ق.
۱۲. آشتیانی، محمد حسن، بحر الفوائد فی شرح الفرائد، بیروت، مؤسسه التاریه العربی، ۱۴۲۹ق.
۱۳. بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیة، قم، الهادی، ۱۳۷۷.
۱۴. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۱۵. بروجردی، سید حسین، حاشیه کفایه الاصول، قم، انصاریان، ۱۴۱۲ق.
۱۶. جنّاتی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۰)، «احتیاط در احتیاط (پاسخ به انتقاد)»، کیهان اندیشه، شماره ۳۷، صص ۴۶-۶۰.
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن، الفوائد الطوسیة، قم، مطبعة العلمیة، ۱۴۰۳ق.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن، الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل) - قم، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۴۱۸ق.
۲۰. حکیمی، محمد رضا، بیدار گران اقالیم قبله، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۲۱. خمینی، سید مصطفی، تحریرات فی الاصول، تهران، مرکز نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۸ق.
۲۲. خویی، سید ابوالقاسم، موسوعة الامام الخویی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۱۸ق.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الالفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۲۴. زارعی سبزواری، عباسعلی، القواعد الفقهیة فی فقه الامامیة، قم، اسلامی، ۱۴۳۰ق.
۲۵. سبحانی، جعفر، ارشاد العقول الی مباحث الاصول، قم، مؤسسه امام جعفر صادق (ع)، ۱۴۲۴ق.
۲۶. سبحانی، جعفر، المحصول فی علم الاصول، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۴ق.

۲۷. سبحانی، جعفر، ضیاء الناظر فی احکام صلاه المسافر، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۸ق.
۲۸. سبزواری، سید عبدالاعلی، تهذیب الاصول، قم، دوم، المنار، بی تا.
۲۹. سبزواری، سید عبدالاعلی، مهذب الاحکام، قم، مؤلف، ۱۴۳۰ق.
۳۰. شهید اول، محمد بن مکی، موسوعه الشهید الاول، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۳۰ق.
۳۱. شیرازی، سید محمد، الفقه (الاجتهاد و التقليد)، بیروت، دوم، دار العلوم، ۱۴۰۷ق.
۳۲. شیرازی، سید محمد، الوصائل الی الرسائل، قم، دوم، عاشورا، ۱۴۲۱ق.
۳۳. صادقی تهرانی، محمد، اصول الاستنباط، قم، شکرانه، ۱۳۹۳.
۳۴. صدر، سید محمد باقر، الاتجاهات المستقله تحریک الاجتهاد، قم، مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۸ق.
۳۵. صدر، سید محمد باقر، بحوث فی علم الاصول، تقریرات سید محمود هاشمی شاهرودی، قم، مؤسسه دائره المعارف اسلامی طبق مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۱۷ق.
۳۶. ضیایی فر، سعید، ریشه ها و پیامدهای احتیاط در اجتهاد و افتاء، قم، بوستان کتاب، ۱۴۰۰.
۳۷. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، طهران، کوشانپور، ۱۳۷۷ق.
۳۸. طهرانی، آغا بزرگ، نقباء البشر فی قرن الرابع عشر، مشهد، دوم، دار المرتضی للنشر، ۱۴۰۴ق.
۳۹. عراقی، ضیاء الدین، الاجتهاد و التقليد، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۸.
۴۰. عراقی، ضیاء الدین، شرح تبصره المتعلمین (کتاب القضاء)، قم، مهر، بی تا.
۴۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۶.
۴۲. علم الهدی، سید علی بن حسین، جمل العلم و العمل، نجف اشرف، مطبعه الآداب، ۱۳۸۷ق.
۴۳. علم الهدی، سید علی بن حسین، الانتصار، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۵ق.
۴۴. علی اکبریان و نادری، «بررسی عنصر احتیاط در فقه دوره های پیش و پس از اندیشه اخباری»، فقه، سال سی ام، صص ۷۱-۹۵.
۴۵. علیاری تبریزی، علی، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، تهران، کوشانپور، ۱۴۱۲ق.
۴۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، دوم، هجرت، ۱۴۰۹ق.
۴۷. فشارکی، محمد باقر، الرسائل الفشارکیه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴۸. فضل الله، سید محمد حسین، دشواره فهم اجتهادی شریعت، تهران، بین الملل، ۱۳۹۲.
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، قم، دار الحديث، ۱۴۲۹ق.
۵۰. مازندرانی، محمد صالح، شرح الکافی، تهران، اسلامی، ۱۳۴۲.
۵۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۲. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، بیروت، دوم، دار الضواء، ۱۴۰۳ق.
۵۳. محقق سبزواری، محمد باقر، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، آل البيت علیهم السلام، بی تا.
۵۴. محقق کرکی، علی بن حسین، رسائل محقق کرکی، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.

۵۵. مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵.
۵۶. مصطفوی، سید محمد کاظم، القواعد الفقہیہ، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیہ، ۱۴۲۶ق.
۵۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، چهارم، صدرا، ۱۳۸۵.
۵۸. مظاہری، حسین، فقہ الولاية و الحکومه الاسلامیہ، قم، مؤسسه الزهرا علیہا السلام، ۱۳۸۶.
۵۹. مغنیہ، محمد جواد، علم اصول الفقہ فی ثوبہ الجدید، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۷۵م.
۶۰. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدہ و البرهان فی شرح ارشاد الاذہان، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر، دائره المعارف فقہ مقارن، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۵.
۶۲. .
۶۳. موسوی خمینی، سید روح الله، الرسائل، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۵ق.
۶۴. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلہ، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲.
۶۵. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفہ امام (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۸.
۶۶. موسوی خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹.
۶۷. میرزای شیرازی، محمد حسن، تقریرات آیہ الله المجدد الشیرازی، تقریر مولی علی روزدری، قم، مؤسسه آل البيت علیہما السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۶۸. میرزای قمی، ابوالقاسم، القوانين المحکمہ فی الاصول، قم، احیاء الکتب الاسلامیہ، ۱۴۳۰ق.
۶۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱م.
۷۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائد الايام، قم، مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
۷۱. وحید بهبهانی، محمد باقر، الفوائد الحایریہ، قم، چهارم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۴۱ق.
۷۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقہ، قم، مؤسسه دائره المعارف اسلامي طبق مذهب اهل بیت علیہم السلام، ۱۳۸۲.
۷۳. یزدی، سید محمد کاظم، العروہ الوثقی و التعليقات علیہا، قم، مؤسسه السبطین علیہما السلام العالمیہ، ۱۳۸۸.